



از تحقیقات دانشجویان تا کتاب‌سازی استادان

محمد رضا موحدی*

درصد کل جامعه را تشکیل می‌دهند؟
وظایف خوانندگان، ناشران و در کل جامعه نشر در قبال کتاب‌سازی چیست؟

در روزگار گذشته، باز افرادی بودند که مطالب را پیدا می‌کردند و به هم بند می‌کردند، اما در عصر کنونی این چیزها لازم نیست؛ مطالب از وبلاگ‌ها، بدون اجازه، کپی می‌شود. کتاب‌ها به شکل PDF در دنیای مجازی وجود دارد و از آنها کپی می‌گیرند و چنان با مهارت به هم می‌چسبانند که کسی نمی‌فهمد این کتاب چگونه تولید شده است؛ مگر از نویسنده‌ای صاحب‌سبک برداشته شود و خود نوشته سبک داشته باشد. ناشران و وزارت ارشاد باید از نویسندگانی که مطالبشان، حتی دو صفحه، بدون ذکر نام آنان منتشر می‌شود، دفاع کنند. اگر برای یک صفحه حق‌التألیف هم پافشاری کنیم، کسی جرأت نمی‌کند تمام کتاب را بدزدد، ولی این قدر تسامح به خرج می‌دهیم که تخم‌مرغ‌دزد، شتر دزد می‌شود.

با تمام آنچه گفتید، آیا موضوع منشور اخلاقی نویسندگان راه به جایی خواهد برد یا حضور کارشناسان خبره در اداره امور کتاب لازم است؟

من بیش‌تر به بخش دوم اعتقاد دارم؛ یعنی منشور اخلاقی نویسندگان برای جامعه‌ای است که نویسنده نمی‌داند قانون کپی‌رایت چیست؛ اما در جامعه ما این بحث ابتدایی است که مقاله و کتاب کس دیگری را نباید به نام خودت منتشر کنی. در حقیقت باید بر فیلترها و چارچوب‌ها بیشتر نظارت کنیم. اگر کسی تخطی کرد باید مجازات شود؛ ولو مجازات معنوی یا فرهنگی؛ مثلاً نامش را در جایی بیرند؛ یعنی به گونه‌ای او را سرزنش کنند و تلنگری باشد برای نویسندگان تا این کار را تکرار نکنند و در دهه‌های بعد نسل بهتری داشته باشیم. ■

به عقیده شما چرا اهل علم به سمت کتاب‌سازی می‌روند؟ یکی از شکل‌هایی که در بحث کتاب‌سازی بسیار زیاد شده و باید به آن توجه کنیم، بحث آماده‌خواری و پخته‌خواری از کارهای استادان دیگر و متأسفانه از دانشجویان است؛ موضوعی که هم‌اکنون در دانشگاه‌ها دامن‌گیر شده است. مع‌الأسف دیده شده است استاد به دانشجو تحقیق می‌دهد و تحقیقات نیم‌بند دانشجویان را به هم بند می‌کند و چیزی به عنوان کتاب چاپ می‌کند.

آیا با افزایش ممیزی و نظارت بر چاپ کتاب می‌توان تا حدی مانع این پخته‌خواری‌ها شد؟

در بحث ممیزی اگر یک واژه «می» یا «شراب» در کتاب دیده شود، می‌گویند «این کتاب نباید چاپ شود!» اما اگر ثابت شود این مطالب از شخص دیگری بوده است، هیچ حساسیتی نشان نمی‌دهند. به هر حال شکل مدرنی از کتاب‌سازی در قالب استفاده از کارهای دانشجویان رواج یافته است.

کتاب‌سازی چه ضررهایی برای بازار نشر به همراه دارد؟

دقیقاً همان ضرری که در عرصه هنر به سینما وارد می‌شود و تولیدکننده احساس امنیت نمی‌کند که مخاطبان اثرش را بخرند و بخوانند. نویسنده‌ای کتابی تألیف کرده و براحتی شخص دیگری با تغییر جلد یا حروفچینی کتاب را به نام خودش ثبت می‌کند و ظاهراً جایی برای عرضه دعاوی نیست؛ اگر هم باشد سال‌ها طول می‌کشد و انگیزه برای تولید واقعی از افراد گرفته می‌شود و نویسنده می‌گوید چرا من کاری کنم و برای کاری که می‌توان پنج‌ماهه انجام داد، شرایطی که حق‌التألیف کار پنج‌ماهه با کار نویسنده‌ای که ۱۵ سال وقت می‌گذارد برابر است، سال‌ها وقت بگذارم؟ چه انگیزه‌ای برای نویسنده باقی می‌ماند؟ با آن که اهل تحقیق حساب نویسنده را جدا می‌کنند، اما اهل تحقیق چند

* عضو هیئت علمی دانشگاه قم

